

## رهیافتی گونه‌شناسانه از تحلیل فضایی و کالبدی خانه‌های بومی اردبیل

### چکیده

ویژگی‌ها و خصوصیات متداوم در فرهنگ بومی از مقولاتی است که ریشه در تاریخ معماری ایران دارد و موجب شده است مؤلفه‌های معماری ایران در طی قرون مختلف سیری تکوینی همگام با رشد و دگرگونی‌های فرهنگ ایرانی داشته باشد. برای شناخت و تحلیل فضای کالبدی خانه‌های بومی، رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد. یکی از این رهیافت‌ها، رهیافت گونه‌شناسانه است. نمونه مورد پژوهش در این مقاله خانه‌های سنتی اردبیل انتخاب گردیده است. در شهر اردبیل الگویی که در خانه‌ها استفاده شده از نظر شکلی و فضایی یکسان ولی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد در هر بنا می‌باشد. این الگوها که برگرفته از شیوه زندگی و شخصیت اجتماعی افراد و ارتباط سازه و معماری است، دارای خصوصیات شکلی و فرمی منحصر به فردی می‌باشد که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی می‌باشد که در قسمت توصیفی به صورت کیفی، با انجام مطالعات و تحلیل نظریه‌های پایه مرتبط و شناخت عناصر کالبدی و فضایی، خانه‌های بومی به رابطه همبستگی اجزاء پرداخته می‌شود. داده‌های این تحقیق نیز از طریق مشاهده میدانی استخراج و مورد مطالعه استدلالی قرار گرفته است. با توجه به اینکه تاکنون طبقه‌بندی خاصی در این خصوص انجام نشده لذا در این پژوهش سعی شده است با مطالعه پیشینه گونه‌شناسی و دسته‌بندی گونه‌ها چهارچوبی برای طبقه‌بندی معماری خانه‌های اردبیل به دست آورد.

### اهداف پژوهش:

۱. بهبود روش‌های طراحی مسکن با شناسایی و تحلیل عناصر کالبدی و فضایی معماری بومی.
۲. تقویت عناصر کالبدی و فضایی معماری خانه‌های معاصر و نهایتاً ارتقا هویت بومی و منطقه‌ای مسکن.

### سوالات پژوهش:

۱. با کدام شاخص می‌توان عناصر کالبدی و فضایی خانه را گونه‌بندی نمود؟
  ۲. چگونه می‌توان عوامل شکل‌دهنده معماری خانه‌های بومی اردبیل را شناسایی کرد؟
- کلیدواژه‌ها:** رهیافت گونه‌شناسی، تحلیل فضایی و کاربردی، خانه‌های بومی، اردبیل.

## مقدمه

معماری ایران در کل و معماری مسکونی آن به صورت خاص کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و این موضوع در منطقه آذربایجان و اردبیل نیز بسیار مشهود می‌باشد. این موضوع زمانی بیشتر به چشم می‌آید که بخواهیم مطالبی علمی در خصوص معماری این منطقه به دست آوریم لذا ضروری به نظر می‌رسد که مطالعات دقیق در خصوص گونه‌بندی و گونه‌شناسی معماری منطقه آذربایجان و مخصوصاً منطقه اردبیل انجام گیرد. بنابراین برای رسیدن به مطالعات علمی نیاز به طبقه‌بندی و یا به عبارت بهتر گونه‌شناسی معماری این مناطق می‌باشد از آنجا که درک مفهوم گونه، اولین قدم برای گونه‌شناسی اردبیل می‌باشد در این تحقیق به بررسی مفهوم گونه بر اساس منابع مکتوب و نمونه‌ها پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است در اکثر موارد ویژگی‌های کالبدی ملاک گونه‌شناسی قرار می‌گیرند؛ البته می‌بایست در برخی موارد هم علاوه بر آن عوامل معنایی هم ملاک عمل قرار گیرد. روش‌های مختلفی در شناخت معماری وجود دارد. گونه‌شناسی و دسته‌بندی بر اساس شاخصه‌های مختلف از زمان‌های بسیار دور مدنظر اندیشمندان رشته‌های مختلف بوده است.

شناخت و کاربرد فراوان گونه‌شناسی در شاخه‌های مختلف علوم از دیرباز تاکنون بیانگر اهمیت به‌سزای آن است. از اواسط قرن هجدهم در معماری و باستان‌شناسی به‌عنوان ابزاری برای شناخت و دسته‌بندی بهره گرفته شد. حدود ۲۵۰۰ سال است که گونه‌شناسی در علم گیاه‌شناسی آغاز و وارد سایر رشته‌ها به‌صورت علمی گردید. در علوم نظیر روان‌شناسی، اقتصاد، ریاضیات و علوم دیگر گونه‌شناسی جایگاهی خاص دارد. در روان‌شناسی دسته‌بندی رفتارهای انسانی بر اساس یک حالت روانی خاص کاربرد دارد. در علم اقتصادی نیز دسته‌بندی بر اساس منبع درآمد آن‌ها نمادی از کاربرد توپولوژی می‌باشد. اما گونه‌شناسی معماری از زمان لاژی آغاز گردید. لاژی در قرن هجدهم به ریشه‌های معماری می‌پردازد. او سرپناه‌های ساده را مورد مطالعه قرار می‌دهد. دوران در اوایل قرن نوزدهم برای دسته‌بندی بناهای مختلف از گونه‌شناسی شکلی استفاده کرد. بهره‌گیری از گونه‌شناسی در شناخت معماری تا اوایل قرن بیستم به‌طور جدی ادامه داشت، سیدنی ادی در کتاب تکامل خانه انگلیسی از گونه‌شناسی بهره گرفته است. وی معتقد بود که هنر بر مبنای فرم‌های استاندارد و گونه‌هایی است که همیشه دوباره ظاهر شده و تنوع بی‌نهایتی را ایجاد می‌کنند.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است اما آثاری به بررسی گونه‌شناسی در معماری پرداخته‌اند. در قرن ۱۹ میلادی جان راسکین درباره گونه‌ها مطالعه و تحقیق انجام داد. لوکوربوزیه به طبقه‌بندی اعتقاد داشت وی در کتاب شهر فردا می‌نویسد: «فرهنگ» خود را در محقق شدن کامل تجهیزات در اختیار خودمان و یا از راه انتخاب و حیطة‌بندی و تکامل به ظهور می‌رساند. لوکوربوزیه نیز اصطلاحات شیء گونه‌ای، پیکر گونه‌ای و انسان گونه‌ای را به کار می‌برد. تلاش وی در جهت پیدا کردن جوهر اشیاء در نوشته‌های والتر گیرپیوس و موهولی ناگی منعکس گردیده است. اما معماران مدرن به دلیل اینکه گونه و کاربرد

آن نمی‌تواند در خلاقیت معمار و دانشجوی معماری تأثیر داشته باشد آن را قبول نمی‌کردند (معماریان، ۱۳۸۴: ۲۸). این همان مفهومی است که جان کارلود کالو (۱۹۸۵) به آن استریو تایپ یا گونه مانع یا گونه انجمادکننده نام می‌گذارد (De Carlo, 1385, ۵۴). از اولین کسانی که این ایده را مورد انتقاد قرار دادند می‌توان به والتر گریپوس اشاره کرد که اصرار و میل شدید نقادان در طبقه‌بندی نهضت‌های معاصر را مورد انتقاد قرار داد. «تلاش برای طبقه‌بندی و منجمد کردن هنر و معماری زنده و تبدیل آن‌ها به یک اسم به‌احتمال زیاد برای خاموش کردن فعالیت‌های خلاقانه است و نه تحریک و تصحیح آن». موهولی ناگی مایل بود که معماری را در امتداد مسیر ویتروویوس به اقتصاد، فناوری و فرم و یا اجرای اجتماعی، فنی و زیبایی‌شناسی تبدیل کرد (برنال، ۱۳۸۵، ۳۸۵). آلن کولکوهن در سال ۱۹۶۹ در مقاله «گونه‌شناسی و روش طراحی» اظهار داشت: بدون ابزارهای دقیق‌تر و تحلیل، طراح به‌طور طبیعی طبق مثال‌های قبلی خود برای حل مسائل جدید درباره راه‌حل‌های گونه‌شناسی اقدام می‌کند (کاپن، ۱۳۸۳: ۴۵). در آثار بالا به موضوع مورد نظر این پژوهش پرداخته نشده است لذا پژوهش حاضر در بخش نظری با رویکرد کیفی و ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی و توصیفی به ارئه چهارچوب نظری می‌پردازد. در بخش مربوط به مطالعه خانه‌ها نیز به‌صورت موردی به ارزیابی خانه‌های بومی اردبیل پرداخته می‌شود. در واقع جامعه آماری خانه‌های بومی اردبیل می‌باشد. در این راستا با مشاهدات حضوری و برداشت میدانی همراه با مصاحبه از ساکنان خانه و توصیف آن این ارزیابی تکمیل می‌شود.

## نتیجه‌گیری

شهر اردبیل و بافت مرکزی آن به‌صورت فشرده و متراکم و خانه‌های به هم چسبیده طراحی شده که این موضوع یکی به دلیل هجوم اشرار به شهر و مقاومت در برابر آن‌ها بوده و دلیل دیگر نیز توجه به اقلیم خاص این مناطق بوده که این دو موضوع بر شکل معماری خانه‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. از نظر مصالح، تقریباً تمامی خانه‌ها دارای مصالح یکسانی بوده‌اند که عمده این مصالح آجر و خشت همراه با سنگ و چوب بوده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسکن سنتی اردبیل توجه به الگوهایی در ساخت است که تقریباً در تمام بناها این الگوها مورد استفاده قرار گرفته است. الگویی که از نظر شکلی و فضایی در اکثر بناها یکسان ولی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد در هر بنا می‌باشد. این الگوها که برگرفته از شیوه زندگی و شخصیت اجتماعی افراد و ارتباط سازه و معماری است که دارای خصوصیات شکلی و فرمی زیر می‌باشد.

۱- پاسخگویی به نیاز ساکنین؛ ۲- هویت دار بودن برای افراد و مردم عادی؛ ۳- تناسب با شرایط جغرافیایی؛ ۴- عدم اشرافیت به سایر بناها و توجه به محرمیت فضا؛ ۵- داشتن حیاط مرکزی و عناصر تلطیف‌کننده فضا؛ ۶- توجه به سلسله‌مراتب فضایی و نظم در ورود و خروج از بنا؛ ۷- توجه به هندسه و اشکال هندسی متناسب با مفهوم کارکردی هر فضا؛ ۸- نمای بیرونی ساختمان‌ها ساده و اندرونی دارای تزئینات؛ ۹- طراحی فضا متناسب با کارکرد و عدم وجود فضاهای زائد در بنا؛ ۱۰- استفاده کامل از زمین و توجه به الگوهای شهری در جهت‌گیری بنا؛ ۱۱- طراحی تالار و یا

شاه‌نشین در وسط بنا جهت ایجاد تقارن مرکزیت بخشی به فضا متناسب با اعتقادات بومی مردم و توجه به حضور مهمان و مهمان‌نوازی را تقویت می‌کند. جهت‌گیری خانه‌ها در این منطقه به صورت شرقی و غربی با انحراف نسبت به شرق بوده که این موضوع به دلیل استفاده مناسب از گرمای خورشید و همچنین عدم نفوذ بادهای سرد به داخل ساختمان می‌باشد. همچنین وحدت و پیوستگی فضاها و ارتباط منظم آن‌ها، درون‌گرایی، توجه به حریم خصوصی، وحدت در کثرت و پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنان، ایجاد فضای آرام و دل‌نشین برای استفاده ساکنان، استفاده از تزئینات و ارتباط بین تزئینات با اعتقادات مذهبی از جمله ویژگی‌های عمومی معماری خانه‌های اردبیل می‌باشد. از دیگر مواردی که به آن می‌توان اشاره کرد پیوستگی سبک‌های استفاده شده در معماری خانه‌ها می‌باشد به گونه‌ای که با بررسی خانه‌های دوره صفویه، افشاریه، زندیه، قاجار و دوره پهلوی به این نتیجه می‌رسیم که در تمامی این دوره‌ها تداوم معماری به صورت کاملاً ملموس مشاهده می‌شود همچنین با بررسی کالبدی خانه‌های اردبیل علاوه بر گونه شناسی تاریخی که در بالا نیز به آن اشاره گردید از نظر کالبدی و شکلی نیز تقریباً این تداوم وجود دارد و فقط با تغییر دوره قسمت‌هایی به بنای اصلی اضافه یا کم شده است. از این بررسی به این نکته می‌توان اشاره کرد که خانه‌ها و استفاده از عناصر کالبدی و فضایی آن می‌تواند در شکل هویتی خانه‌های امروز و تداوم معماری و ارتباط با معماری گذشته ایران بسیار اثرگذار باشد.

#### منابع:

- ابن حوقل. (۱۳۴۵). صوره الارض، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحق. (۱۳۷۳). ممالک و مسالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار.
- افشار، خاص میر. (۱۳۶۹). طراحی فضاهای شهری و معماری بافت قدیم اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
- امیری، پیمان. (۱۳۸۴). در جستجوی هویت شهری اردبیل، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- اولیاریوس، آدام. (۱۳۶۹). سفرنامه آدام اولیاریوس، ج ۲، ترجمه: حسن کرد بچه، تهران: کتاب برای همه.
- برنال، جان. (۱۳۸۰). علم در تاریخ، ترجمه حسین اسدیپور - کامران فانی، تهران: امیر کبیر.
- به آذین، داریوش. (۱۳۸۲). اردبیل (از ایران چه می‌دانم، ۲۹)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پیغامی، لیلا. (۱۳۸۸). بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و طراحی سر در آن جهت وحدت بخشیدن به موضوع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران.
- پیرنیا، حسن. (۱۳۸۳). عصر اساطیری تاریخ ایران، به اهتمام سیروس ایزدی، تهران: هیرمند.

- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۷). سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: نشر سروش دانش.
- سحابی، یدالله. (۱۳۵۱). خلقت انسان، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صفری، بابا. (۱۳۶۲). اردبیل در گذر تاریخ، جلد (۱)، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل.
- صفری، بابا. (۱۳۶۲). اردبیل در گذر تاریخ، جلد (۲)، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل.
- صفری، بابا. (۱۳۶۲). اردبیل در گذر تاریخ، جلد (۳)، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل.
- کرایر، راب. (۱۳۸۰). گونه‌شناسی عناصر پایه در معماری، مترجمان عباسعلی شاهرودی و احمد خوشنویس، قزوین: انتشارات سایه‌گستر.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۱). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی برون‌گرا، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۳). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی درون‌گرا، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی، تهران: نشر سرایش.
- نوربرگ، شولتز، کریستین. (۱۳۸۷). مفهوم سکونت (به‌سوی معماری تمثیلی)، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، چاپ سوم، تهران: آگه.
- هردوگ، کلاوس. (۱۳۷۶). ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکمنستان، ترجمه واحد پژوهش بانیان، تهران: انتشارات بوم.

Barthes, R. (1977). "The death of the author." In *Image-Music-Text*, translated by Stephen Heath, 142-148. Glasgow: Fontana.

Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory and Practice*. Cambridge: Cambridge University Press.

Decarlo, G. (1985). *Not Sulla Incontiente Ascesa della Tipologia*, Cesabella, 509- 510 pp 46- 52.

Muratori, S. (1980). *Storia e Critica dell'Architettura Contemporanea*, Roma, Centro Studi Storia Urbanistica.

Rapoport, A. (1977). *Human aspects of urban form: towards a man-environment approach to urbanform and design*, pergamon press, New York.

Santelli, S., & Diba Darab-Philippe R. (2001). "Maisons d Ispahan", Maisneuve Larose Architecture Urbanism & Time, Vision for the Future, proceedings of ARUP 2008, second international conference, Ain Shams University, Cairo, 2008.

Wojtowicz, J., & Fawcett, W. (1986). Architecture Formal Approach Academy Editions, London.